

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی للندری
کانادا - ۲۳ جنوری ۲۰۱۰

اندیشه فردا

روی تو در خواب دیدم ای گل زیبای من
یک نگاه گرم او جان و دل ما را بسوخت
گوش دل بکشای دلبر بیوفایی تا به کی؟
مثل تو در این جهان کی بود همتای دگر
میدهم در عشق او جان و دلم را با چه شوق
درس دل بردن ز کی آموختی جانا بگو!
عمرها را در غم عشقش چنان سر کرده ام
جان سپاریدن چه باشد در ره عشق صنم؟
گشته ام قامت کمان، حاصل نشد وصلت بتا
ای ز روی آفتابت گرم کن جان و تتم
تا به گردون می رود این ناله جان سوز دل

شعله لعل لببت شد در پی یغمای من
بین چه آتش جا گرفته در دل شیدای من
بشنو آخر یک دمی شور و نوای نای من
چون توئی تسکین دل، ای یار نا پیدای من
دلریا یاری بکن بر عالم رؤیای من
جلوه و نوازی کنی با چهره لیلای من
پیر گشتم رفت از کف این تن برنای من
هست رمز عشق او بال و پر و معنای من
رفت از دستم جوانی، قامت بالای من
بی تو بس سرد و غمینم، گرمی ماوای من
از گداز عشق سوزد جمله سر تا پای من

یکدمی دلبر نظر کن بر لطیف خود زلطف

در بساط دل توئی اندیشه و سودای من